




Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0 Creative Commons)

 <https://doi.org/10.22067/10.22067/PG.2023.73887.1112>

تحلیل استراتژیک معادلات قدرت‌های دریایی در حوزه ایندوپاسفیک^۱ با تأکید بر گروه‌بندی‌های کواد و آکوس

فرزاد سلطانی (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات جهان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول)

farzadsoltani1990@yahoo.com

ابراهیم ضرغامی (دانش‌آموخته دکترای رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

ezdaryahome93@gmail.com

مهدی جاودانی مقدم (استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران)

javdani@isu.ac.ir

چکیده

استراتژی دریایی یکی از مهم‌ترین ابعاد استراتژی ملی قدرت‌های بزرگ به حساب می‌آید. این مسئله اگرچه با تحول ماهوی قدرت در سیاست جهانی، اهمیتی را که آلفرد ماهان در «تأثیر و نفوذ قدرت دریایی در تاریخ» مطرح کرده بود را از دست داده است اما در دو دهه اخیر مجدداً به عرصه رقابت ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ بازگشته است. در این میان، حوزه ایندوپاسفیک و شکل‌گیری گروه‌بندی‌های جدیدی مانند کواد و آکوس در آن را می‌توان نقطه عزیمت جدیدی در بازی قدرت‌های جهانی دانست. در این راستا، این مقاله به این سؤال اصلی پرداخته است که حوزه ایندوپاسفیک چه جایگاهی در معادلات ژئوپلیتیک قدرت‌های دریایی با تأکید بر گروه‌بندی‌های کواد و آکوس دارد؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته نشان‌دهنده انتقال تدریجی مرکز ثقل اقتصاد و سیاست جهانی از

^۱ تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

اقیانوس اطلس به اقیانوس هند-آرام است که در پرتو ائتلاف‌بندی‌های نظامی و امنیتی جدید به تشدید رقابت و تنش میان قدرت‌های بزرگ دریایی منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی: استراتژی قدرت دریایی، ایندوپاسفیک، کواد، آکوس، آمریکا، چین.

۱- مقدمه

در طی دهه‌ی گذشته، قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای علاقه‌مند به نقش‌آفرینی در منطقه اقیانوس هند-آرام بوده‌اند. این نگاه راهبردی ناشی از ارزش راهبردی این منطقه در حوزه انرژی و تجارت دریایی است. چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور با پی‌ریزی راهبرد یک کمربند یک جاده در این منطقه، از همه کشورهای خواسته است تا راهبرد ملی خود را در زمینه همکاری‌های مشترک طراحی کنند. برخی از تحلیل‌گران، تلاش این کشورها برای حضور در این پهنه آبی را یک واقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ناشی از رقابت قدرت‌های بزرگ در این منطقه می‌دانند که از سال ۱۹۸۵ مشاهده شده و با ظهور دو قدرت نوظهور چین و هند و تقویت حوزه‌های نفوذ آن‌ها به‌ویژه در پروژه راه‌های ابریشم جدید چین نشان داده شده است. به نظر می‌رسد فضای اقیانوس هند-آرام نیز فضای استراتژیک موردعلاقه‌ای است که دو قدرت بزرگ رقیب، ایالات متحده و چین را از هم جدا می‌کند. پکن به این نتیجه رسیده است که ایالات متحده مصمم به مهار و تضعیف چین است و ائتلاف‌ها و ابتکارات منطقه‌ای به رهبری ایالات متحده از جمله ائتلاف‌های کواد و آکوس ذاتاً ماهیت ضد چینی دارند. ایالات متحده و سایر اعضای ائتلاف‌های کواد و آکوس همواره تلاش می‌کنند تا ابعاد نظامی و امنیتی ائتلاف خود را کم‌اهمیت جلوه دهند و در عوض بر اهمیت همکاری دریایی، به اشتراک‌گذاری فناوری‌های پیشرفته و افزایش سرمایه‌گذاری‌های متقابل در صنایع کلیدی تأکید کنند. چین این اقدامات را عامل شکاف در اقتصاد و فناوری چین و بلوک غرب می‌داند و این موارد را تهدیدی اساسی درازمدت برای خود قلمداد می‌کند. با این وجود، استراتژی قدرت دریایی در چند دهه گذشته اهمیت مضاعفی یافته است؛ با این اوصاف، مقاله حاضر در پی بررسی و تحلیل قدرت‌های برتر در نظام بین‌الملل شده است؛ با این اوصاف، مقاله حاضر در پی بررسی و تحلیل

جایگاه اقیانوس هند در معادلات ژئوپلیتیک قدرت‌های دریایی با تأکید بر گروه‌بندی‌های کواد و آکوس می‌باشد.

۲- مبانی نظری:

ائتلاف و اتحاد به‌عنوان دو مقوله مهم و بنیادین در تاریخ روابط بین‌الملل از منظرهای نظری مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این پژوهش از ایده «شبکه‌سازی» و «نظم امنیتی پیچیده و شبکه‌ای شده» به‌عنوان چارچوبی برای تبیین همکاری و رقابت بلوک‌های قدرت‌های دریایی در حوزه ایندوپاسفیک با تأکیدی بر گروه‌بندی‌های کواد و آکوس بهره برده شده است. لذا در ابتدا به بازدارندگی شبکه‌ای اشاره شده و سپس نظم یابی امنیتی پیچیده و شبکه‌ای شده تبیین شده است.

۲-۱- بازدارندگی شبکه‌ای:

بازدارندگی رایج‌ترین سیستمی است که کشورها جهت مقابله با تهدیدات خارجی در چرخه استراتژیک موجود به طراحی آن اقدام می‌کنند. الگوی بازدارندگی، استراتژی‌های امنیتی گوناگونی را بر اساس مؤلفه‌های امنیت ملی کشورها در هر زمان مشخص می‌نمایند, Abbasi & Talebi (2016:63). در شرایط کنونی نظر به اینکه کماکان صلح و ثبات در سیستم بین‌المللی و زیرسیستم‌های منطقه‌ای برقرار نشده است و رقابت‌های زیادی میان قدرت‌های جهانی و بازیگران درون منطقه‌ای وجود دارد، هرکدام در تلاش هستند تا با استفاده از اهرم‌های مختلف، اقدام به بازداشتن رقبا از تهاجم علیه موجودیت خود، منافع حیاتی و همچنین متحدان راهبردی کنند. به لحاظ مفهوم شناسی در رابطه با بازدارندگی استراتژیکی همواره باید یک یا چند بازیگر مهاجم وجود داشته باشند و به‌علاوه کنشگر دیگر آن‌ها را به‌مثابه تهدید قلمداد کند، سپس با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و اتحاد سازی خارجی و در راستای برخورد با تهدید متصور شده یا عینیت یافته اقدام به موازنه سازی نماید (Fathi, Eivazi & Pirani, 2020: 269).

شبکه‌سازی یکی از مصادیق بارز نظریه بازدارندگی است. سیستم بازدارندگی شبکه‌ای بر شکل‌گیری و گسترش ارتباطات درون‌شبکه‌ای و بین شبکه‌ای از جمله ارتباط بین حلقه‌ای و محور

متمرکز است. در این سیستم هدف حفظ نظم مطلوب خود و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب دشمن یا متخاصم هست. در بازدارندگی شبکه‌ای جریان ارتباطات بین حلقه‌ها و محورها برای کنترل دشمن و خنثی‌سازی اقدامات آن‌ها استفاده می‌شود. به عبارتی با تضعیف یا تقویت ارتباطات یا سمت‌گیری آن‌ها به سمت حلقه‌های خاص، در جهت ایجاد بازدارندگی بهره گرفته می‌شود. در شبکه سازه هدف اساسی پیوند بین حلقه‌های مختلف و به عبارتی واحدها و حوزه‌های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی با یکدیگر است، به گونه‌ای که در صورت حمله به نقطه‌ای خاص از آن، سایر حلقه‌ها یا نقاط تحت تأثیر قرار گرفته و عکس‌العمل آنان را برانگیزد و از این طریق هزینه دشمن شدیداً افزایش یابد و بدین سبب از حمله منصرف شود. (Emamirad, Barzegar & Zakarian, 2021: 5) اصولاً شبکه سازه فیزیکی است از طریق پیوندهای ارتباطی بین اجزاء تشکیل‌دهنده به وجود می‌آید، به عبارت دیگر می‌توان شبکه را به عنوان سازه‌های ارتباطی تعریف کرد که مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و آن‌ها را به مرزهای ارتباطی تبدیل می‌کند؛ به همین دلیل مرزها جای خود را به فضا داده‌اند؛ چراکه مرزها محصورکننده ارتباطات هستند. چنین شبکه‌هایی زمانی اهمیت دوچندان می‌یابند که نوعی عدم تقارن در وضعیت قدرت نظامی وجود داشته باشد. کاربردهای شبکه‌سازی نشان می‌دهد این رویکرد ممکن است بهترین روش برای ایجاد بازدارندگی باشد. در ادامه مهم‌ترین کاربردهای شبکه‌سازی به شرح زیر است:

۱. متضرر ساختن دشمن از طریق ارتباط کار کردن بین حلقه‌های شبکه؛
۲. ایجاد اختلال در شبکه و در نتیجه درگیر ساختن هم‌زمان دشمن در بحران‌های مختلف؛
۳. افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران و در نتیجه افزایش فشارهای بازدارنده بر دشمن؛
۴. افزایش احتمال اتحاد و ائتلاف علیه دشمن؛
۵. افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح ملی و منطقه‌ای به سایر سطوح افقی از جمله جهانی؛

۶. افزایش احتمال سرایت عمودی بحران‌ها و درگیر ساختن سایر سطوح موضوعی (Ghasemi & Shokr, 2009: 192).

اصولاً شبکه و نظریه‌های شبکه، چارچوب نظری منسجمی را برای بررسی سیستم‌های پیچیده فراهم می‌نمایند؛ چراکه تقریباً تلاش می‌کنند تمامی جوانب یک معادله را بسنجند. به‌علاوه، توجه به تمامی جنبه‌های شبکه منجر به شکل‌گیری شبکه‌های مرکب شده است که به‌نوعی مدل وابستگی حساس، در این نوع از شبکه‌ها نمایان می‌شود در این حالت وابستگی حساس، بیانگر وضعیتی است که در آن، کوچک‌ترین دگرسانی در اندازه‌های سیستم، سهمگین‌ترین پیامدها را در وضعیت نظم سیستم در پی دارد؛ بنابراین خسارت‌های بسیار شدیدی که متناسب با آن تغییر نیست را به دنبال دارد. در وضعیت وابستگی حساس، سیستم بین‌الملل در آستانه رفتاری خود قرار داشته و با بی‌تعادلی فاصله چندانی نخواهد داشت و به تعبیری، در آستانه آشوب قرار دارد (Ghasemi, 2016: 71-72).

۲-۲- نظم امنیتی پیچیده و شبکه‌ای شده

نظم امنیتی یکی از مهم‌ترین مفاهیم محوری در مطالعات راهبردی و واقع‌گرایی محسوب می‌شود. نظم‌های امنیتی در دو سطح منطقه‌ای و جهانی بر اساس قطب‌بندی‌های قدرت و مبتنی بر بازیگری واحدهای دولتی و چگونگی کنش ورزی امنیتی آن‌ها با یکدیگر تعریف می‌شوند. کانتوری و اشپیگل از سه نوع سیستم در مطالعات امنیتی و منطقه‌ای نام می‌برند. سیستم مسلط، سیستم تابعه (منطقه) و سیستم داخلی. هر سیستم تابعه دربرگیرنده مجموعه‌ای از دولت‌ها با مجاورت جغرافیایی است که در آن مسائل امنیتی در تعامل میان واحدها رخ می‌دهد و مدیریت می‌شود. بر اساس چهار متغیر سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط نظم‌های تابعه به سه بخش تقسیم می‌شوند. بخش مرکزی، بخش پیرامونی و قدرت مداخله‌گر (Cantori & Spiegel, 1970: 51).

لیک و مورگان مانند بوزان و ویور به بررسی مجموعه‌های امنیتی پرداختند. برخلاف بوزان این دو محقق نقش عوامل امنیتی را در شکل‌گیری مناطق برجسته ساختند و قدرت‌های بزرگ را به‌عنوان بخشی از مجموعه‌های امنیتی به حساب آوردند. لیک و مورگان تهدیدات را جایگزین منافع متغیر جغرافیایی، تاریخی، وابستگی و دیگر متغیرها می‌نمایند. به نظر این دو محقق الگوهای دوستی و دشمنی که در مجموعه‌های سرزمینی خود را نمایان می‌سازند همگی نوعی نسخه‌های بدلی متغیرهای دیگر می‌باشند. در این دیدگاه قدرت‌های بزرگ بر اساس عنصر درک تهدیدات در اغلب مجموعه‌های امنیتی مشارکت مستقیم دارند و بنابراین بخشی از مجموعه‌های امنیتی محسوب می‌شوند. برای بررسی دقیق‌تر پویایی قدرت در سطح میانی و منطقه‌ای علاوه بر مناسبات دو و چندجانبه و نقش قدرت‌های مداخله‌گر در پویایی قدرت باید به نظم‌ها و الگوهای مدیریت بحران در مطالعه سطح میانی توجه نمود (Lake & Morgan, 1997: 60).

شبکه‌ای شدن نظم‌های امنیتی سبب شده است تا پیوندهای مبتنی بر کنش‌ورزی‌های ایجابی و سلبی امنیت ساز و امنیت‌زدا در تلاقی نظم‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی ضمن محیط شدن بر رفتارهای راهبردی بازیگران به صحنه بازیگری آن‌ها تبدیل شوند. در نظم‌های امنیتی شبکه‌ای شده قدرت هوشمند بر اساس بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تعریف می‌شود و واحدهای امنیتی با استفاده از قدرت هوشمند به دنبال تغییر در توزیع تهدیدات و بر هم زدن نقطه ثبات راهبردی رقبای راهبردی جهت ایجاد شبکه نظم امنیتی مطلوب خود هستند. در شبکه نظم امنیتی مناطق توزیع تهدیدات با استفاده از دست‌کاری در گره‌های ایجابی به کمک قدرت هوشمند شکل‌دهنده به نوع نظم امنیتی هستند. لذا برخی شبکه‌های نظم امنیتی تک‌کانونی، دوکانونی و چندکانونی خواهند بود. نظم‌های امنیتی به دلیل پیوند شبکه‌ای با سایر نظم‌های امنیتی مناطق و نظم جهانی از درجه‌های متفاوت نفوذپذیری و نفوذگذاری برخوردار هستند (Eftekhari, 2013).

۳- روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که این پژوهش به دنبال تحلیل معادلات قدرت‌های دریایی در قالب گروه‌بندی‌های کواد و آکوس در حوزه ایندوپاسفیک است، روش‌شناسی مبتنی بر رویکرد استدلالی دارد، نوع این تحقیق

کاربردی - توسعه‌ای و روش آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در رویکرد استدلالی بر پایه شواهد و قرائن موجود، اهداف، نیات و روابط میان پدیده‌ها، کشف و بیان می‌گردد. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات موردنیاز از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک مرتبط با موضوع استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی با استفاده از روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از نظرات خبرگان موضوع بوده است. در این روش ضمن شناسایی یافته‌های عینی و ذهنی تحقیق با تکیه بر نظریه‌ها و دیدگاه استراتژیک به تفسیر و تحلیل داده‌های کیفی پرداخته شده است و در نهایت در قالب بهره‌گیری از خبرگی جمعی، یافته‌های پژوهش حاصل شده است.

۴- محیط‌شناسی پژوهش

حوزه ایندوپاسفیک (اقیانوس‌های هند و آرام)،^۱ شاه‌رگ اقتصادی جهان است که شبه‌قاره هند، چین، استرالیا، جنوب شرق آسیا، شمال شرق آسیا و اقیانوسیه را با کشور ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا پیوند می‌دهند. اقیانوس‌هایی که زمانی به‌عنوان موانع فیزیکی و فرهنگی، موجب جدایی کشورها بودند، هم‌اکنون شاهراه‌هایی دریایی هستند که این کشورها را به یکدیگر متصل می‌کنند. بیش از نیمی از تولیدات ناخالص داخلی در سراسر جهان از این منطقه تولید می‌شود و حدود یک‌سوم ناوگان دریایی در جهان از دریای جنوب چین عبور می‌کنند. یک‌چهارم صادرات کشور ایالات متحده به این منطقه صادر شده و صادرات به کشورهای چین و هندوستان طی ده سال گذشته به میزان بیش از دو برابر افزایش یافته است. این منطقه از جهان، محل اقامتگاه بیش از نیمی از جمعیت جهان است. ۱۱ کشور از میان ۱۵ کشور قدرتمند در جهان در این منطقه و یا در مجاورت آن قرار دارند که بیشتر این کشورها دارای سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند. ویژگی غالب

۱. منطقه هندو-پاسفیک مشتمل بر ۳۶ کشور قاره‌ای، شبه جزیره‌ای و مجمع‌الجزایری از جمله چند ده هزار جزیره مسکونی است و اکثر پهنه اقیانوس‌های آرام و هند و نیز دریاهای داخلی آسیا را پوشش می‌دهد. استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود جغرافیای این منطقه را از ساحل غربی هند تا سواحل غربی ایالات متحده تعریف کرده است.

ژئوپلیتیکی این حوزه، بعد دریایی آن است. به دلیل برتری مسیرهای دریایی در جابجایی کالا، کشورهای جزیره‌ای و شبه‌جزیره‌ای آن از موقعیت خوبی برای حضور در تجارت بین‌المللی برخوردار هستند. وابستگی بیش‌ازحد به تجارت دریایی است باعث شده است خطوط و تنگه‌های دریایی در این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشند، زیرا بسیاری از عبور و مرور دریایی در منطقه و از آنجا به دیگر بخش‌های جهان و بالعکس باید از شماری تنگه‌ها و دریا‌های باریک بگذرد. در نتیجه کشورهای جزیره‌ای این منطقه، وابستگی زیادی به قدرت دریایی و هوایی ایالات متحده آمریکا برای تأمین امنیت این خطوط کشتیرانی دارند (Cohen, 1999: 57). از پایان جنگ سرد، حوزه ایندوپاسفیک (منطقه اتصال اقیانوس هند و آرام) به‌عنوان یک حوزه رقابتی شدید بین آمریکا، چین، ژاپن، هند و دیگر کشورهای پدیدار شد و این منطقه در دنیای اقتصاد بازار آزاد به‌عنوان مسیر ابریشم اقتصادی جدید عنوان شد، هرچند که هنوز وضعیت امنیتی این منطقه، به‌واسطه روابط نامطمئن میان بازیگران، در معرض خطای استراتژیک قرار دارد. بنابراین در دوران پس از جنگ سرد، این منطقه یک منطقه حساس و مهم جهانی است که به دلیل ارزش استراتژیک، اقتصادی و تجاری، سیاست بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است.

گروه کواد

پس از فاجعه سونامی ۲۶ اکتبر سال ۲۰۰۴ در اقیانوس هند، جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده دو روز پس‌ازاین حادثه اعلام کرد که کشورش برای هماهنگی اقدامات امدادی اضطراری به استرالیا، هند و ژاپن خواهد پیوست. بنابراین تا سال ۲۰۰۵ این چهار کشور گروهی تشکیل دادند که تا اواسط ژانویه ۲۰۰۵ در حال خدمات‌رسانی به آسیب‌دیدگان این سونامی بود. هرچند این گروه پس‌ازآن منحل شد، اما بذریک موجودیت جدید ژئوپلیتیکی را بنانهاده شد، موجودیتی که بی‌تردید در سیاست‌های توازن قدرت در قرن بیست و یکم تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین، در سال ۲۰۰۷، چهار کشور استرالیا، ژاپن، هند و ایالات متحده، پس از گفتگوهای متعدد، گروه کواد (گفت‌وگوی چهارجانبه امنیتی) را تشکیل دادند، اما با روی کار آمدن کوبین راد^۱

¹ Kevin Michael Rudd

به‌عنوان نخست‌وزیر جدید استرالیا (در اواخر نوامبر ۲۰۰۷)، با پیش‌گرفتن سیاست تعامل با چین، و نمایش ضعیف شینزوآبه (از طرفداران تاسیس گروه کواد) در انتخابات ژاپن (سپتامبر ۲۰۰۷)، این گروه منحل شده اعلام گردید (Lee, 2020). حدود ۱۰ سال پس از فروپاشی این طرح، گفتگوی چهارجانبه بار دیگر در نوامبر سال ۲۰۱۷، این گروه دوباره متولد شد. در فضای افزایش نگرانی‌های مشترک در مورد سیاست خارجی چین و افزایش اعتماد و سازگاری بین چهار کشور دموکراتیک، بحث در مورد احیای رسمی گفتگوی چهارجانبه سال‌ها در واشنگتن، دهلی، توکیو و کانبرا جاری بود. در اولین سال ریاست جمهوری ترامپ، مفهوم گفتگوی چهارجانبه به‌سرعت مورد توجه دولت وی قرار گرفت. سرانجام، در دسامبر ۲۰۱۷، گفتگوی چهارجانبه در استراتژی امنیت ملی دولت ترامپ صریحاً تأیید شد و دولت آمریکا متعهد شد، همکاری چهارجانبه با ژاپن، استرالیا و هند را افزایش دهد (Cannon & Rossiter, 2022: 6-10).

تصویر شماره ۱- مناطق نفوذ چین و گروه کواد در اقیانوس هند- آرام



منبع: (Diehl, 2021: 16)

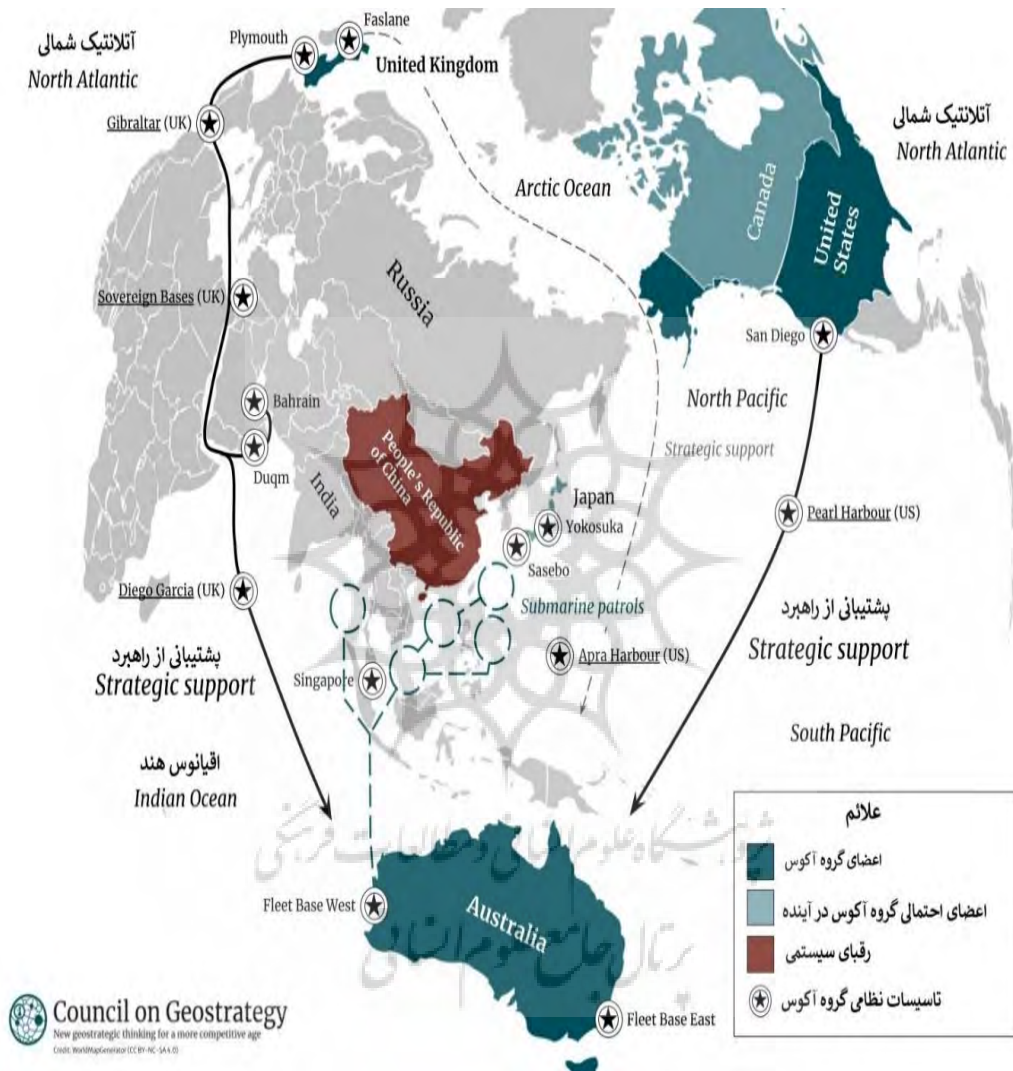
گروه آکوس

در سپتامبر ۲۰۲۱، ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا یک پیمان امنیتی را با هدف اشتراک گذاشتن فناوری‌های دفاعی پیشرفته امضاء کردند که به‌عنوان تلاشی برای مقابله با پیشرفت‌های چین تفسیر می‌شود. این پیمان استراتژیک تحت عنوان آکوس (برگرفته‌شده از مخفف استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا) نامیده می‌شود و هدف آن «دفاع از منافع مشترک این کشورها در منطقه اقیانوس هند-آرام» می‌باشد که شامل «افزایش اشتراک‌گذاری اطلاعات و فناوری» و «ادغام بیشتر علم، صنعت و زنجیره تأمین» خواهد بود (Budiarti, 2022: 5-6). طبق اساس‌نامه متمرکز بر امنیت گروه آکوس، کشورهای عضو این گروه می‌توانند طی چندین دهه آینده در منطقه مشارکت داشته باشند و عامل ثبات و امنیت پایدار در منطقه اقیانوس هند-آرام شمرده شوند. ائتلاف آکوس یک ابتکاری جدیدی است که موازی یا مکمل آنگلسفر پنج چشم^۱ می‌باشد می‌تواند به اشتراک‌گذاری اطلاعات در این دو ائتلاف (آکوس و پنج چشم) بپردازد. اگرچه در حال حاضر هیچ برنامه‌ای برای گسترش گروه آکوس وجود ندارد، اما این احتمال وجود دارد که تغییر ژئوپلیتیک و معادلات موازنه قدرت در منطقه باعث شود تا گروه آکوس سایر اعضای گروه پنج چشم (نیوزیلند و کانادا) و بازیگران مهم در سطح منطقه اقیانوس هند-آرام را در میان‌مدت و بلندمدت (البته بدون تمرکز بر فناوری نظامی هسته‌ای) پذیرا باشد (Swanström & Panda, 2021: 15-16).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ پنج چشم یا فایو آیز (Five Eyes) اتحادیه‌ای اطلاعاتی آنگلسفر شامل پنج کشور نیوزیلند، ایالات متحده آمریکا، استرالیا، بریتانیا و کانادا است. آنگلسفر یا سپهر انگلیسی یا جهان انگلیسی (Anglosphere) نیز به آن دسته از کشورهای انگلیسی‌زبان گفته می‌شود که دارای ریشه‌های تاریخی و فرهنگی از جزایر بریتانیا هستند که امروزه نیز همکاری نزدیک فرهنگی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی را حفظ می‌کنند.

تصویر شماره ۲: موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو گروه کواد



منبع: (Naji, 2022)

۵- یافته‌های پژوهش

الف- تقابل و رقابت قدرت‌های در ایندوپاسفیک:

در حوزه ایندوپاسفیک بیش از همیشه، منافع آمریکا، هند و چین به‌طور هم‌زمان برخورد می‌کنند. هرکدام از بازیگران کلیدی در جهت منافع ملی خود گام برمی‌دارند. روش آمریکا در برخورد با چین در اقیانوس هند، شبیه روشی است که با اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد رفتار کرد. بخشی از کشورهای منطقه آسیا - اقیانوسیه (ژاپن، استرالیا، فیلیپین، سنگاپور، کره جنوبی و نیوزلند) از افزایش قدرت چین نگران هستند و معتقدند بدون حمایت آمریکا نمی‌توانند مانع از دستیابی چین به هژمونی منطقه‌ای شوند، از این‌رو دنبال راه‌هایی برای مقابله با این تهدید هستند (Goins, 2021). به همین ترتیب، هند و آمریکا در دهه گذشته به دلیل ترس از چین، دوستان خوبی شده‌اند همچنان که «والتر راسل مید»^۱ می‌گوید، پس از پایان جنگ سرد چین، ایران و روسیه مصمم هستند که نظم جهانی به رهبری آمریکا را خنثی کنند. او استدلال می‌کند که این کشورها برای حوزه‌های نفوذ آمریکا، تهدیدی مهمی هستند. آمریکا باید درباره خوش‌بینی خود تجدیدنظر کند، از جمله باور پس از جنگ سرد که کشورهای غربی را می‌توان متقاعد کرد که به غرب بپیوندند و با قوانین او بازی کنند. همچنین، از نظر «مید»، زمان رویارویی با تهدیدات این دشمنان ژئوپلیتیک خطرناک فرارسیده است (Mead, 2014: 23-46). به همین ترتیب، مادلین آلبرایت^۲، وزیر سابق امور خارجه آمریکا، مدعی شده بود که آمریکا، در نتیجه مسئولیت پلیسی^۳ خود در جهان ناگزیر است، با تهدیدات مقابله کند (Mearsheimer, 2011:19). این به معنای آن است که آمریکا احتمالاً به مدت طولانی برای جلوگیری از تبدیل شدن چین به قدرت برتر در آسیا-اقیانوسیه و جنوب آسیا وارد عمل خواهد شد. آمریکا از نظر توانمندی‌های نظامی، تقریباً به اندازه بیش از نصف کشورهای جهان پول خرج می‌کند و بیشتر سیاست‌های خود را از مسیر نظامی دنبال

¹ Walter Russel Mead

² Madeleine Albright

^۳. واژه پلیس توجیهی برای حضور آمریکا در مناطق مختلف است.

می‌کند. در حال حاضر عمده توانمندی‌های نظامی خارجی آمریکا در منطقه آسیا پاسفیک قرار دارد. علاوه بر این، بسیاری از استراتژیست‌های آمریکایی عقیده دارند، که توان نظامی واشنگتن پیش‌دستانه است، درحالی‌که ارتش چین در موقعیت دفاعی است. با این حال، چینی‌ها بر این موضوع واقف‌اند که آمریکا در صورت ضعف چین ضعیف نقش اصلی را در منطقه بازی خواهند کرد (Cordesman & Toukan, 2014: 30).

در خصوص رابطه آمریکا و چین باید اشاره کرد که رقابت این دو قدرت، همیشه پایدار و شدید بوده است زیرا از تفاوت‌های ایدئولوژیکی شدید بین دو طرف و همچنین ملاحظات ژئوپولیتیک نشأت می‌گیرد. در این زمینه، تفاوت‌های ایدئولوژیکی مشخصی بین چین و آمریکا وجود دارد، اما هر دو نمی‌خواهند بر روابط آن‌ها تأثیر عمیق بگذارند. به‌طور خاص، چین اقتصاد مبتنی بر بازار را در آغوش گرفته است و نسخه فعلی سرمایه‌داری دولتی را به‌عنوان یک مدل صادراتی در جهان نمی‌بیند. به‌علاوه، چین عمیقاً در اقتصاد جهان ادغام شده است و فعالانه با کشورهای غربی برای منافع اقتصادی که برای صلح طولانی‌مدت مناسب است، خود را درگیر کرده است (Jie, 2020: 184-185). آمریکا تمایل بیشتری به صدور ایدئولوژی خود به دیگران نشان می‌دهد، اما این جاه‌طلبی‌ها با توجه به شکست در افغانستان و عراق بر رقابت آینده بین پکن و واشنگتن تأثیر می‌گذارد و رقابت ایدئولوژیک میان آن‌ها کم‌رنگ‌تر خواهد بود. در واقع، ثبات آینده اقیانوس هند به ماهیت روابط آمریکا و چین بستگی دارد، زیرا هر دو منافع اقتصادی و استراتژیک در آسیا-اقیانوسیه و اقیانوس هند دارند. برای چین، آمریکا و نیز هند یک رفتار استراتژیک قدیمی برای نفوذ و حضور در کشورهای ساحلی اقیانوس هند وجود دارد (Marrier D'unienville, 2019: 4).

در این شرایط، چین با چالش جغرافیایی در تأمین خطوط دریایی مواجه است که پیامدهای زیادی برای کشورهای آسیا و اقیانوس آرام دارد. به‌طور خاص، سه کانال دریایی وجود دارد که دریای جنوبی چین و اقیانوس هند را متصل می‌کنند. به این معنی است که چین باید حداقل به یکی از این قسمت‌ها دسترسی داشته باشد تا بتواند خطوط دریایی خود را به‌واسطه وابستگی به نفت

خلیج فارس کنترل کند. این وضعیت به طور قطع نشان می‌دهد که آمریکا و چین حضور نظامی قابل توجهی را در آب‌های آسیا-اقیانوس آرام و اقیانوس هند خواهند داشت. آمریکا نگران افزایش قدرت نظامی چین است و پکن نیز عمیقاً نگران متحدان آمریکا در منطقه آسیا-اقیانوس آرام و توانایی‌های پیش‌بینی قدرت خود است؛ بنابراین، تلاش خواهد کرد تا توانایی‌هایی خود را برای محافظت از خطوط حمل و نقل چین در اقیانوس هند افزایش دهد. آمریکا هم به‌عنوان یک قدرت جهانی همچنان برای محافظت از منافع استراتژیک و اقتصادی خود و متحدان تلاش خواهد کرد (Cordesman & Toukan, 2014: 30).

این نحوه برخورد اقیانوس هند و پیرامون آن را در مقام منطقه ژئواستراتژیک نوین سده بیست و یکم به همان سرنوشتی دچار می‌سازد که طی جنگ سرد در عمل تبدیل شد. در آن دوران رقابت‌های تسلیحاتی و تقسیم این منطقه به مناطق منازعه، جغرافیای اقیانوس هند را به جغرافیای نظامی تغییر شکل داده بود. از نتایج نظامی شدن بی‌سابقه اقیانوس هند در طول حیات نظام دوقطبی، سرکوب بحران‌های مانند جنگل‌زدایی‌های مرگبار در اندونزی و سریلانکا، تغییرات آب و هوایی، گسترش ایدز در نوار کرانه‌ای آفریقا، تشدید درگیری‌های قومی در کشمیر و به تعویق افتادن پدیداری گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر پایه مشارکت در تأمین امنیت، بهبود مناسبات اقتصادی و همیاری‌های انسانی بود. باین وجود که پس از پایان جنگ سرد و آغاز دوران جدید سیاسی-اقتصادی در اقیانوس هند، «اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند»^۱ در سال ۱۹۹۷ با عضویت ۱۹ کشور تاسیس شد اما گسترش و تنوع مناطق موجود در این حوزه وسیع، شکل‌گیری گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نظامی و اقتصادی را به تعویق انداخته است (Hong & Ciyuan, 2018: 153-156). تحلیل‌گرانی همچون آلیسون معتقد هستند با تلاش دولت باراک اوباما برای خروج از پیمان شراکت ترنس-پسیفیک^۱ و تحقق آن در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ، آزادی عمل

^۱. Indian Ocean Rim-Association for Regional Cooperation (IOR-ARC)

چین در منطقه اقیانوس هند-آرام بیشتر شد که در پی این امر، سایر قدرت‌های جهان در طی چند سال گذشته درصدد ترسیم راهبرد ملی خود در این پهنه آبی بوده‌اند (Allison, 2019: 20-25).

ب: ائتلاف‌سازی ایالات متحده در منطقه اقیانوس هند-آرام

ائتلاف‌سازی یکی از بادوام‌ترین و موفق‌ترین عناصر سیاست خارجی ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم بوده است. این ائتلاف‌ها اگرچه از آن زمان به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد، به‌طور مداوم تکامل یافته‌اند؛ با این وجود، در چند دهه گذشته، این ائتلاف‌ها با چالش ژئواستراتژیکی جدید به دلیل نفوذ رو به رشد اقتصادی، نظامی و فناوری چین روبرو هستند. بنابراین، امروزه مقابله با این چالش‌های از سوی پکن وظیفه اصلی واشنگتن و متحدانش می‌باشد. از سوی دیگر، هرچند متحدان ایالات متحده در اقیانوس هند-آرام با تهدیدات چین مقابله می‌کنند، اما چین از قدرت اقتصادی خود برای بهره‌برداری از شکاف‌های داخلی و بین‌المللی این ائتلاف‌های موردحمایت ایالات متحده استفاده می‌کند (Clinton, 2011).

قابل‌بیان است که ایالات متحده و متحدانش در کنار هم از مزیت اقتصادی و نظامی قابل‌توجهی نسبت به رقبای خود برخوردار هستند. در حال حاضر، از بین ده اقتصاد بزرگ دنیا، اکثریت متحد واشنگتن هستند که شامل (ایالات متحده (۱)، ژاپن (۳)، آلمان (۴)، بریتانیا (۶)، فرانسه (۷)، ایتالیا (۸)، و کانادا (۱۰) می‌شوند. با این وجود، در دهه گذشته، هزینه‌های نظامی تخمین زده شده چین ۸۵ درصد افزایش یافته است، این در حالی است که متحدان ایالات متحده (ناتو به‌علاوه استرالیا، ژاپن و کره جنوبی) تقریباً ۶۰ درصد از هزینه‌های نظامی جهان را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، متحدان ایالات متحده در خصوص روابط خود با چین از یک نظر واحدی برخوردار نیستند و در بسیاری از موارد برای مدیریت رفتار چین با واشنگتن همراه نشده‌اند و پکن بارها از این شکاف‌ها در داخل و بین متحدان خود بهره‌برداری کرده است. با این همه، واشنگتن و متحدانش برای رویارویی با چالش ژئواستراتژیکی که به دلیل توانایی‌ها و نفوذ اقتصادی، نظامی و فناوری رو به رشد چین در آینده گریبان‌گیر خواهند شد، متفق‌القول هستند (Lindsey & Goldgeier, 2021).

¹ Trans-Pacific Partnership

روشن است که منطقه اقیانوس هند-آرام برای ایالات متحده از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ چراکه رابرت کاپلان در کتاب «مانسون: اقیانوس هند و آینده قدرت آمریکا»^۱ معتقد است، شرق آفریقا و غرب آسیا تا آسیای جنوبی، آسیای جنوب شرقی و استرالیا از طریق خطوط دریایی ارتباطی و کابل‌های زیردریایی فیبر نوری مخابراتی واقع در این پهنه آبی، اقتصادهای اروپا، غرب آسیا و آفریقا، آسیا و استرالیا را به هم متصل می‌کند (Bergeron, Iorio & Jeff, 2021). به همین ترتیب، از آغاز جنگ سرد (۱۹۴۷) تاکنون، ایالات متحده ائتلاف‌های نظامی متعددی را در منطقه اقیانوس هند-آرام تاسیس کرده است. آخرین بار، این کشور در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱ موفق شد گروه آکوس را به همراه کشورهای انگلیس و استرالیا ایجاد کند. البته، قبل از این ائتلاف (آکوس)، ایالات متحده ائتلاف مانند «آنزوس» (۱۹۵۱)، «پنج چشم» (۱۹۵۶) و «کواد» (۲۰۰۷) را نیز تاسیس کرده بود. همچنین، در کنار این ائتلاف‌ها، ایالات متحده چندین پیمان امنیتی با کشورها حاشیه اقیانوس هند-آرام منعقد کرده است: فیلیپین (۱۹۵۱)، کره جنوبی (۱۹۵۳) و ژاپن (۱۹۶۰) (Bezamat-Mantes & Verluise, 2022). در همین راستا، در ادامه همین بخش به دو ائتلاف کواد و آکوس که از سوی ایالات متحده و هم‌پیمانانش در منطقه اقیانوس هند-آرام تاسیس شده‌اند، مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

پ: پیامدهای شکل‌گیری کواد در حوزه ایندوپاسفیک

کارشناسان غربی عقیده دارند که در حال حاضر برنامه اصلی گروه کواد ایجاد یک راهکار تا سال ۲۰۳۰ برای مقابله با چین که از رشد اقتصادی و نظامی برخوردار است، می‌باشد. هر چهار کشور عضو این گروه از توانایی‌های جغرافیایی، اقتصادی، نظامی و سیاسی بالایی برخوردار هستند که با توجه به منافع مشترک خود می‌توانند عامل بازدارندگی و تعادل در منطقه اقیانوس هند-آرام باشند. طبق راهبرد دفاع ملی هر یک از این چهار کشور، منافع ملی متفاوتی در منطقه اقیانوس هند-آرام دارند که در این راستا می‌توان به سرمایه‌گذاری‌های نظامی هر یک در بخش‌های متفاوت اشاره

¹ Robert D. Kaplan "Monsoon: The Indian Ocean and the Future of American Power"

نمود. در این ارتباط، می‌توان به ژاپن که در صدد قدرت بخشیدن به «نیروهای دفاع از خود ژاپن» و هند که در صدد افزایش توان نظامی‌اش در مرزهای شمالی است را اشاره داشت. همچنین، ایالات متحده برنامه بالابردن سطح نظامی خود برای تداوم بخشیدن به عنوان قدرت برتر نظامی و استرالیا هدف نظامی خود در منطقه را تضمین تعادل در منطقه می‌داند (Diehl, 2021: 2-3). از سوی دیگر، برخی از تحلیل‌گران مانند زنو لئون^۱، متخصص روابط چین و آمریکا در کینگز کالج لندن، پس از اینکه گروه کواد را ابزار قدرت نرم آمریکا دانسته، اذعان کرده: «گروه کواد به سمت نوعی همکاری اقتصادی در زمینه‌های مرتبط با امنیت منطقه در حال شکل‌گیری است» که این گروه می‌تواند مانعی برای جاه‌طلبی‌های اقتصادی چین در طرح یک کمربند و یک جاده تلقی شود (Seibt, 2021).

به‌طور کلی، حفظ تعادل و ایجاد نظم و ثبات در اقیانوس هند-آرام اولویت زیادی برای ایالات متحده و کشورهای منطقه که از منافع یکسانی برخوردار هستند، دارد. در همین زمینه، ارزش‌های مشترک و حفظ هنجارهای دموکراتیک، همراه با تجارت آزاد، برای عملکرد جریان آزاد قدرت‌های منطقه‌ای ضروری است. لذا، کشورهای همسایه آمریکا به خوبی می‌دانند که تکنیک‌های قدرت نرم برای کم‌رنگ کردن پیشرفت‌های چین کارساز نیست، چراکه مقامات پکن از طریق گسترش پایگاه نظامی، سرقت مالکیت معنوی بین‌المللی، افزایش موانع تجاری با استرالیا و طرح‌هایی مانند ابتکار یک کمربند و یک جاده اکثریت سیاست‌های به‌کارگیری شده علیه خود را خنثی ساخته‌اند. علاوه بر این، توسعه پایدار ظرفیت ارتش چین در زمینه موشک‌های دوربرد، روند رو به رشد هواپیماهای نسل پنجم و توانمندی‌های ناوگان نظامی باعث شده تا تمامی تهدیدات از سوی کشورهای منطقه را خنثی سازد. از این‌رو، در حالی که حضور نظامی ایالات متحده در اقیانوس آرام از زمان پایان جنگ جهانی دوم برقرار است، این کشور مصمم است تا با تلاش جدی‌تر و چندجانبه، یک بازدارندگی معتبر در برابر جاه‌طلبی چین تا سال ۲۰۳۰ ایجاد کند (Nicolini & Gabriel, 2020: 58-59).

¹ Zeno Leoni

جدول شماره ۱: مقایسه عمده سیستم‌های تسلیحاتی گروه کواد در مقایسه با چین، تخمین ۲۰۴۰-

۲۰۳۰

نام تسلیحات	ایالات متحده	استرالیا	ژاپن	هند	کل کشورهای عضو کواد	چین
جنگنده نسل ۵	۱۳۲۱	۷۲	۱۴۷	۰	۱۵۴۰	۲۰۰
بمب افکن	۸۸	۰	۰	۰	۸۸	۱۷۲-۱۵۰
کشتی‌های نظامی	۷۸	۱۲	۵۴	۲۲	۱۶۶	۱۵۰
زیردریایی	۲۵	۱۲	۲۲	۲۴	۸۳	۷۰
ناوهای هواپیما	۵	۰	۰	۳	۸	۲

منبع: (Diehl, 2021:12)

مقامات چین تشکیل این گروه ائتلافی را غیرضروری و عامل تنش در منطقه می‌دانند؛ همچنین، از آن به‌عنوان «ناتوی آسیایی» یاد می‌کند و معتقد هستند چین تشکیلاتی به‌منظور مقابله با پکن طراحی شده است. از طرفی دیگر، دهلی‌نو با توجه به همسایگی با پکن و تنش‌های مرزی اخیر در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۰ درصد است تا از برجسته‌سازی گروه کواد برای مقابله با چین خودداری کند، چراکه از دیدگاه مقامات هندی، در چنین حالتی کشورشان ابزاری در راستای سیاست خارجه ایالات متحده آمریکا در منطقه اقیانوس هند-آرام خواهد بود. بنابراین، هدف هند از حضور در کواد، تسهیل در تجارت دریایی و پیشرفت در اقتصاد آبی می‌باشد. از طرفی دیگر، با وجود افزایش خسارت‌های جهانی در حوزه منافع ناشی از پیدایش ویروس کرونا، چین همچنان دارای اقتصادی روبه رشد می‌باشد لذا هند درصد گسترش روابط تجاری خود با چین است (Cannon &

Rossiter, 2022: 12-13)

در ۳ سپتامبر ۲۰۲۰، پس از آزمایش سیستم مدیریت پیشرفته نبرد^۱ توسط نیروی هوایی ایالات متحده، کارشناسان حوزه نظامی معتقد بودند که این سامانه در راستای پاسخگویی به نیازها گروه کواد و عامل بازدارندگی در مقابل چین طراحی شده است. همچنین، این کارشناسان مدعی بودند که هیچ کشوری به تنهایی قادر به بازدارندگی و مقابله با چین نیست؛ در نتیجه، تلاش جمعی ملت‌های دارای منافع مشترک برای تاسیس یک نیروی نظامی یکپارچه با هدف ایجاد یک بازدارندگی واقعی را لازم می‌دانند. این کشورهای شامل همان چهار کشور عضو گروه کواد و به‌عنوان چهار قدرت در منطقه اقیانوس هند-آرام هستند که برای نقش بازدارندگی در مقابل چین تا سال ۲۰۳۰ در تعامل با یکدیگر هستند. در حال حاضر، با توجه به پیشرفت‌های چشم‌گیر چین در حوزه‌های مختلف، اعضای گروه کواد نیاز جدی‌تری به ادغام نیروهای نظامی خود و تاسیس پایگاه‌های مشترک را درک کرده‌اند. در همین ارتباط، امروزه مقامات این کشورها در تدارک برگزاری رزمایش مشترک برای یکپارچه‌سازی نیروها و سازگاری با توانمندی‌های جدید در عرصه جهان هستند (Diehl, 2021: 2-4).

از طرفی دیگر، ایالات متحده با پراکنده کردن نیروها و جنگنده‌های خود در سراسر منطقه اقیانوس هند-آرام، تهدیدات آینده از سوی چین و هم‌پیمانان این کشور را کاهش خواهد داد. در همین ارتباط، واشنگتن علاوه بر استفاده از پایگاه‌های بزرگ هوایی و دریایی در گوام، در حال گسترش همکاری با متحدان خود برای استفاده از پایگاه مشترک در پاپوا گینه‌نو، جزایر آندامان، نیکوبار و افزایش دسترسی به پایگاه‌های شمال استرالیا می‌باشد (Lee, 2020).

ت: پیامدهای شکل‌گیری آکوس در حوزه ایندوپاسفیک

در حال حاضر، ائتلاف آکوس برای ایالات متحده، بخشی از معماری امنیتی جدیدی می‌باشد که دولت بایدن برای مقابله با گسترش ظرفیت سیاسی-نظامی چین در فضای اقیانوس هند-آرام طراحی کرده است. از سویی دیگر، برای متحدان و شرکای اصلی ایالات متحده، یعنی استرالیا،

¹ Air Battle Management System (ABMS)

بریتانیا، و همچنین ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین و بدون شک تایوان، این ائتلاف یک چارچوب تضمین‌کننده امنیت است که جایگاه خود را در کنار گروه کواد و سایر ائتلاف‌های دفاعی باز کرده است. در واقع، این بخشی از یک ائتلاف استراتژیک جهانی به رهبری ایالات متحده می‌باشد و به ارائه محتوای عملیاتی و فناوری به مفهوم آزاد و باز در اقیانوس هند و آرام که همه به آن پایبند هستند کمک می‌کند. بنابراین، این ساختار می‌تواند تعریف یک استراتژی بزرگ و تازه آمریکا باشد که هدف آن فراگیر بودن و همکاری در زمینه تضمین‌های بازدارندگی و امنیتی مؤثرتر در چارچوب تقسیم بار بازتعریف‌شده که در نهایت موجب مشارکت بیشتر سایر متحدین خواهد شد (Thomann, 2021).

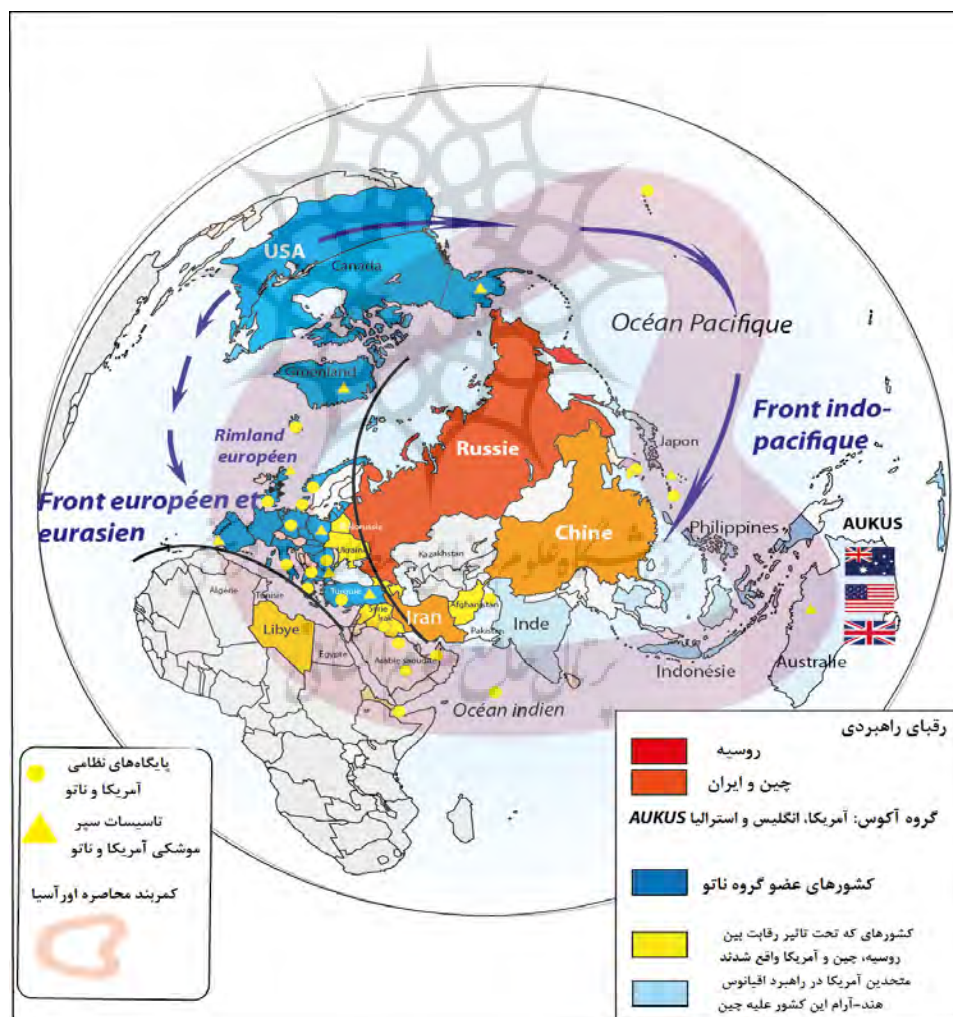
اگرچه ژاپن، کره جنوبی و تایوان اعضای گروه آکوس نیستند، اما این سه کشور می‌توانند از مزایای فناوری راهبردی که ایالات متحده در رقابت با چین، بهره‌مند شوند. این سه کشور آسیای شرقی دارای ظرفیت‌های نوآوری و تحقیقاتی قابل توجهی هستند، همچنین تسلط بر فناوری‌های بالا در هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی و نیمه‌رساناها دارند (Niquet & Péron-Doise, 2021: 4-6). از منظر ژئوپلیتیک نیز، پیمان امنیتی آکوس یک تصویر نسبتاً کلاسیک از سیاست موازنه قدرت در مواجهه با یک معضل امنیتی لحاظ می‌گردد. اگرچه در این پیمان به هیچ‌وجه به چین اشاره نشد، اما کاملاً مشخص است که این ابتکار به‌عنوان پاسخی هماهنگ به تصور گسترش روزافزون و تهدیدآمیز چین در منطقه اقیانوس هند-آرام در نظر گرفته شده است (Péron-Doise, 2022: 13).

این برداشت امنیتی استرالیا از چین تا حدی مبتنی بر افزایش قابلیت‌های نظامی چین به‌ویژه توانایی این کشور در حوزه دریا بوده که در نتیجه، کانبرا با تجهیز به زیردریایی‌های هسته‌ای، از نظر برد قدرتمندتر شمرده شود و در کنار سایر اعضای گروه کواد از جمله هند و ژاپن، ابزار بازدارندگی مؤثرتر و نقش فعال‌تر در منطقه را برای خود فراهم سازد. با این حال، به نظر می‌رسد که اهداف راهبردی گروه آکوس چند سال طول می‌کشد تا به ثمر بنشیند و در حال حاضر این ترتیبات جدید مستقیماً قدرت حزب کمونیست چین و شی جین‌پینگ را تهدید نمی‌کند. از سویی دیگر، روشن

است که تلاش‌های چین برای نشان دادن قدرت خود دریا و کنترل خطوط حیاتی ارتباطی دریایی می‌تواند باعث پیچیده‌تر شدن اوضاع شود که مورد خوشایند متحدین منطقه‌ای آمریکا نیست. به این ترتیب، این حرکت همچنین نشان می‌دهد که ایجاد یک ائتلاف موازنه مؤثر در آسیا ممکن است آن‌طور که دولت بایدن امیدوار بود آسان نباشد (Péron-Doise, 2022: 14-16) & (Thomann, 2021).

تصویر شماره ۳: راهبرد ژئوپلیتیکی آمریکا علیه روسیه و چین در زمینه رقابت‌های جدید قدرت‌های

بین‌المللی



منبع: (Thomann, 2021).

این گروه‌بندی‌های در حوزه ایندوپاسفیک باعث فراهم شدن بسترهای نظامی شدن این منطقه شده است. شکل‌گیری گروه آکوس همراه با استقبال و ناراضی‌تری برخی از کشورها در این منطقه بوده است. پکن مواضع تندی نسبت به این اقدام واشنگتن و متحدانش (انگلیس و استرالیا) نشان داد و تمرینات نظامی گسترده‌ای انجام داد؛ به گونه‌ای که نیروی دریایی چین مأموریت‌های را در آب‌های سرزمینی تایوان انجام داد. همچنین، پکن به همراه مسکو مانورهایی را در تنگه سوگارو^۱ بین دو جزیره اصلی ژاپنی هونشو و هوکایدو^۲ برگزار کرد. از دیگر عکس‌العمل‌های چین در مقابل این ائتلاف، شناورهای این کشور برای اولین بار از سال ۲۰۱۷ وارد آب‌های سرزمینی ژاپن در نزدیکی سواحل شهر کاگوشیما^۳ شدند. قابل‌بیان است که هم‌زمان با این رزمایش‌های نظامی چین، پیام‌های از سوی پکن به واشنگتن ارسال شد: «اگر گروه آکوس به‌عنوان تأییدی بر دخالت راهبردی مجدد ایالات‌متحده علیه چین در منطقه ارائه شود، ایجاد «ارباب‌»^۴ که هدف اصلی (آمریکا) است، هرگز محقق نخواهد شد» (Niquet & Péron-Doise, 2021: 3). از دیدگاه پکن، گروه آکوس به‌طور جدی صلح و موازنه را به خطر انداخته، مسابقه تسلیحاتی را تشدید و تلاش‌های بین‌المللی منع اشاعه را تضعیف خواهد کرد. علاوه بر این، چین معتقد است که این توافقنامه می‌تواند توافقنامه راروتونگا^۵ را نقض کند (Budiarti, 2022: 6).

با وجود گروه آکوس، یکی از چالش‌های و نگرانی‌های جدیدی که گریبان گیر چین در منطقه اقیانوس هند-آرام شده، تلاش دولت انگلیس برای امضاء پیمان امنیتی آکوس که با هدف مقابله با این کشور آسیایی طراحی شده است. در این ارتباط، می‌توان به نقش آفرینی روزافزون انگلیس در این پهنه آبی در طی سال ۲۰۲۱ اشاره داشت. در این زمینه، می‌توان حضور ناو هواپیمابر «ملکه الیزابت» (سپتامبر ۲۰۲۱) همراه با شناورهای از هلند، آمریکا و ژاپن که رزمایش نظامی را در

¹ Le détroit de Tsugaru

² Honshu et de Hokkaido

³ Kagoshima

⁴ Intimidation

^۵ پیمان راروتونگا (Treaty of Rarotonga) نام معمول پیمان منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای اقیانوس آرام جنوبی است. این پیمان هر گونه استفاده، آزمایش و در اختیار داشتن جنگ‌افزار هسته‌ای را در محدوده کشورهای اقیانوس آرام منع می‌کند.

جزیره اوکیناوا برگزار کردند را مثال زد. به‌طورکلی، دولت بریتانیا این اقدامات خود در اقیانوس هند-آرام را در راستای چشم‌انداز «بریتانیای جهانی» پس از برگزیت دانسته و این امر را ابزاری قدرتمند در حمایت از نظم مبتنی بر قوانین بین‌المللی اعلام کرده است (Neill, 2021). حضور انگلیس در منطقه اقیانوس هند-آرام طبق راهبرد ملی این کشور که تحت عنوان «تمایل به اقیانوس هند-آرام: یک چارچوب» (مارس ۲۰۲۱) منتشر شد و هدف اصلی این کشور در این سند، مقابله بانفوذ چین و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه اذعان شده است (Goïn, 2021). در این راهبرد انتشاریافته، مسئولان بریتانیایی، علت تمایل حضور خود در این منطقه را دستیابی به ثبات به‌منظور نشاط اقتصادی جهانی که اهمیتی حیاتی دارد، توصیف کرده‌اند. همچنین، از دیگر اهداف لندن در این راهبرد ملی، همراهی با واشنگتن در این منطقه آبی به‌منظور پررنگ شدن نقش ناتو در شرق آسیا که در پی این امر نگرانی‌ها و چالش‌های پکن در آینده افزایش خواهد یافت (Neill, 2021)&(Brooke-Holland, 2021).

علاوه برچین، ایجاد ائتلاف امنیتی آکوس برای اتحادیه اروپا به‌ویژه فرانسه مورد خوشایند واقع نگردید. در واقع در برهه‌ی زمانی که بازارهای دفاعی اتحادیه اروپا تحت تأثیرات منفی برگزیت و کووید-۱۹ بوده، خبر غیرمنتظره تاسیس گروه آکوس باعث نارضایتی اعضای این اتحادیه شد. با این وجود، گروه آکوس فرصتی برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا فراهم کرده است تا مفهوم «خودمختاری استراتژیک» بیشتر درک شود و نیاز به تشکیل سازمان امنیت و دفاع اروپا برای اعضای این اتحادیه بیشتر احساس گردد. ایالات متحده و اروپا دیدگاه متفاوتی نسبت به تهدیدات از سوی چین دارند، به‌طوری‌که اروپا تمایلی به درگیر شدن در «رقابت سیستمی»^۱ آمریکا و چین ندارد، چراکه طبق راهبرد این اتحادیه، منافع اقتصادی را با نگرانی‌های امنیت ملی می‌توان متعادل ساخت. بنابراین، تاسیس گروه آکوس توسط ایالات متحده بدون مشارکت فعال قدرت‌های عضو اتحادیه اروپا، نشانه‌ای است مبنی بر اینکه واشنگتن منتظر تغییر در ادراکات اروپایی نسبت به چالش‌های پیشرو در اقیانوس هند-آرام نیست (Thomann, 2021). هرچند فرانسه دارای

¹ systemic competition

قلمروهای فرادریایی و مناطق انحصاری اقتصادی گسترده در منطقه اقیانوس هند-آرام است و از نفوذ بالایی در اتحادیه اروپا دارا می‌باشد؛ اما واشنگتن، بجای این عضو مهم اتحادیه اروپا، لندن را برای تشکیل گروه آکوس انتخاب کرد. در این ارتباط، دلیل این امر را می‌توان بر برخوردار بودن انگلیس از یک ژئواستراتژیک بزرگ و جزء پنج قدرت نظامی برتر سطح جهان دانست. همچنین، اتخاذ سیاست بازدارندگی هسته‌ای که لندن در قبال تهدیدات علیه متحدان سازمان ناتو اعمال کرده، عاملی دیگر در این راستا می‌باشد. در واقع، گروه آکوس بیش از آن‌که شکافی بین ایالات متحده و اروپا محسوب گردد، این عمل را بین انگلیس و اتحادیه اروپا ایجاد کرده است (Swanström & Panda, 2021: 14-15).

برای اتحادیه اروپا، نحوه اعلام گروه آکوس و عدم رایزنی بین ایالات متحده و متحدان اروپایی آن، تصویری از غرب تقسیم‌شده را به نمایش گذاشت. آنچه این عدم هماهنگی را پررنگ‌تر ساخت، هم‌زمان اعلام تاسیس گروه آکوس توسط آمریکا با انتشار سند راهبرد هند-اقیانوس آرام اتحادیه اروپا بود.

اگرچه تاکنون اتحادیه اروپا از جانبداری در رقابت تشدید شده چین در ایالات متحده خودداری کرده است، اما ارائه یک جبهه متحد در مورد موضوعات کلیدی مانند چین و اتخاذ «خودمختاری استراتژیک» می‌تواند عاملی باشد تا این اتحادیه در حرکت روبه‌جلو به سرعت وحدت خود را تحکیم کند و ظرفیت خود را برای اقدام مستقل افزایش دهد. به عبارتی دیگر، تاسیس گروه آکوس بدون دخیل بودن اعضای اتحادیه اروپا و از طرفی، حمله روسیه به اوکراین در ماه‌های آغازین سال ۲۰۲۲، عاملی خواهد بود تا کشورهای اروپایی نیاز به ایجاد «استقلال استراتژیک» از طریق همکاری دفاعی را بیشتر احساس کنند (Thomann, 2021).

تشکیل گروه آکوس بر روابط فرانسه با ایالات متحده و استرالیا تأثیر گذاشته و تعهد فرانسه به منطقه را نسبتاً کاهش داده است. همچنین خطر به حاشیه راندن نقش امنیتی اروپا در اقیانوس هند-آرام را می‌تواند به همراه داشته باشد. در نتیجه، فرانسه به‌عنوان سردمدار کشورهای اروپا برای

نقش آفرینی مؤثرتر در مسائل این پهنه آبی احتمالاً، همکاری‌های خود با هند، ژاپن و کره جنوبی را بیشتر خواهد کرد (Neill, 2021).

از سویی دیگر، برخلاف چین و اتحادیه اروپا، ژاپن از تشکیل گروه آکوس استقبال کرده است و این اقدام آمریکا را نشانه تعهد آشکار به ایجاد ثبات در منطقه دانست. با این حال، تشکیل چنین ائتلاف امنیتی (آکوس) باعث پیچیده‌تر شدن تلاش‌های توکیو در زمینه ایجاد تعادل در روابط خود با واشنگتن و پکن خواهد شد. تمایل آشکار ژاپن به مشارکت و رهبری گروه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه نشان‌دهنده حمایت این کشور از راه‌حل‌های مبتنی بر قوانین به جای تقابل است (Niquet & Péron-Doise 2021:2-4).

برخلاف برخی از کشورها که از تاسیس گروه آکوس استقبال یا ابراز نارضایتی کرده‌اند، هند نسبت به تاسیس ائتلاف آکوس دیدگاه متعادلی از خود نشان داده است و بر ایجاد موازنه در روابط خود با اعضای گروه آکوس و اتحادیه اروپا به‌ویژه فرانسه تمرکز کرده است. در نهایت، چنین ائتلافی می‌تواند یک امتیاز مثبتی برای هند باشد، چراکه این ائتلاف به‌عنوان یک بازدارنده مؤثر در محدود کردن تجاوز چین ظاهر شود. در حالی که گروه آکوس به هند این فرصت را می‌دهد تا منافع ژئواستراتژیک خود را در منطقه فراتر از گروه کواد فراهم سازد، عدم گنجاندن آن در این گروه تازه تاسیس (آکوس) نشان می‌دهد که دهلی‌نو باید با بازنگری مجدد «استقلال استراتژیک» خود شراکت‌های دوجانبه راهبردی جدیدی را ایجاد کند (Swanström & Panda, 2021: 16).

نتیجه‌گیری:

استراتژی قدرت دریایی یکی از مهم‌ترین ابعاد استراتژی قدرت‌های بزرگ از گذشته تاکنون بوده است. این استراتژی که با توسعه دانش بشری در حوزه فناوری‌های جدید و از جمله توانمندی‌های نظامی و بالطبع، تحول ماهوی قدرت در سیاست جهانی، در دوره جنگ سرد رو به ضعف نهاده بود، در چند دهه اخیر مجدد اهمیت مضاعفی یافته است. این شرایط سبب شکل‌گیری رقابت‌های جدید میان قدرت‌های برتر در نظام بین‌الملل شده است. در این میان، رقابت آمریکا و چین و تغییر

تدریجی نقطه ثقل ژئوپلیتیک جهانی از اقیانوس اطلس به اقیانوس هند-آرام، بر اهمیت ویژه این منطقه در استراتژی قدرت‌های دریایی افزوده است. در این شرایط، آمریکا در راستای حفظ نظم هژمونیک مطلوب خود و بازدارندگی و مهار چین به ایجاد گروه‌بندی‌ها و ائتلاف‌های جدیدی مانند آنزاس، کواد و آکوس با مشارکت برخی از دولت‌های این منطقه روی آورده است. به‌طورکلی، هدف از ایجاد گروه‌بندی‌های و پیمان‌های کواد و آکوس دفاع از منافع مشترک اعضا، اشتراک‌گذاری اطلاعات، مقابله با تهدیدات پیش رو و ممانعت از قدرت‌نمایی رقبا در منطقه اقیانوس هند-آرام است.

در حال حاضر، آمریکا با اتخاذ دو ابزار راهبردی با تهدیدات از سوی چین علیه منافع ملی خود در سطح اقیانوس هند-آرام مقابله می‌کند: گسترش تسلیحات مدرن در منطقه و ائتلاف‌سازی با متحدان منطقه‌ای. اینکه آیا آکوس اهداف بلندمدت کواد را نفی یا تکمیل خواهد کرد، تا حد زیادی به اقدامات ایالات متحده و استرالیا در بازسازی اعتماد از دست‌رفته خود نزد سایر متحدین (اتحادیه اروپا، هند و ...) بستگی دارد. بدیهی است که اعلام غیرمنتظره گروه آکوس به‌عنوان یک چارچوب امنیتی، ترتیبات و اتحادها در منطقه اقیانوس هند-آرام را با توجه به معادله تعادل قدرت تغییر داده است. این مسئله از سوی چین به‌عنوان یک تهدید امنیت‌زدا و بی‌ثبات‌کننده، تلقی شده و برخی مقامات چینی آن را ناتوی آسیایی نامیده‌اند. با این وجود، چشم‌انداز معادلات راهبردی هر یک از دو بازیگر اصلی یعنی چین و آمریکا در این پهنه آبی مستلزم همراهی سایر متحدین آن‌ها می‌باشد. مجموعه این شرایط نشان می‌دهد که حوزه ایندوپاسفیک در چشم‌انداز معادلات ژئوپلیتیک قدرت‌های دریایی، نقش پررنگ‌تر و مناقشه‌برانگیزتری دنبال خواهد کرد. در این چارچوب، با انتقال تدریجی مرکز ثقل اقتصاد و سیاست جهانی از اقیانوس اطلس به اقیانوس هند-آرام و در پرتو ائتلاف‌بندی‌های نظامی و امنیتی جدید، این منطقه شاهد تشدید رقابت و تنش میان قدرت‌های بزرگ دریایی خواهد بود که افزایش سطح نظامی‌گری در این منطقه از پیامدهای ذاتی این تنش‌ها می‌باشد.

کتابنامه

1. Abbasi, E., & Talebi, S. (2016). Security model deterrence in the Strait of Hormuz and National Security of the Islamic Republic of Iran. *Political Strategic Studies*, 5(17), 59-81. doi: 10.22054/qps.2016.4348 [In Persian]
2. Allison, Graham (2019). *Vers la guerre : l'Amérique et la Chine dans le piège de Thucydide*, Paris: éd. Odile Jacob. (In French)
3. Anderson, Brian & Vongpanitlerd, Sumeth (2013). *Network Analysis and Synthesis: A Modern Systems Theory Approach*, Publisher: Prentice-Hall, Inc.
4. Bergeron, Louis; Iorio, Nick and Payne, Jeff (2021). *The US Needs a New Indian Ocean Strategy Now*, the diplomat, Available at: <https://thediplomat.com/2021/02/the-us-needs-a-new-indian-ocean-strategy-now/>
5. Bezamat-Mantes, Charlotte & Verluise, Pierre) 2022). *Carte. Les États-Unis dans la zone Indo-Pacifique en 2021: accords de coopération, de défense et alliances militaires*, La revue de géopolitique, Retrouver sur: <https://www.diploweb.com/Carte-Les-Etats-Unis-dans-la-zone-Indo-Pacifique-en-2021-accords-de-cooperation-de-defense-et.html> [In French]
6. Brooke-Holland, Louisa (2021). *Integrated Review 2021: The defence tilt to the Indo-Pacific*, Commons Library Research Briefing, Available at: <https://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/CBP-9217/CBP-9217.pdf>
7. Budiarti, Tri Buana Sekar (2022). *International Perspective in Responding To the Aukus Agreement*, Faculty of Law, Universitas Muhammadiyah Yogyakarta (Indonesia), Available at: https://www.researchgate.net/publication/357648833_INTERNATIONAL_PERSPECTIVE_IN_RESPONDING_TO_THE_AUKUS_AGREEMENT
8. Cannon, Brendon & Rossiter, Ash (2022). *Locating the Quad: Informality, Institutional Flexibility, and Future Alignment in the Indo-Pacific*, *International Politics*, Available at: <https://doi.org/10.1057/s41311-022-00383-y>
9. Cantori, Louis and Steven Spiegel (1970), *The International Politics of Regions, A Comparative Approach*, Los Angeles, University of California Press.
10. Clinton, Hillary (2011). *America's Pacific Century*, *Foreign Policy*, Available at: <https://foreignpolicy.com/2011/10/11/americas-pacific-century/>

11. Cohen, Saul Bernard. (1999). *Geopolitics of the Universal System*, translation by Abbas Kardan, First Edition, Tehran, Contemporary Abrar publication. [In Persian]
12. Cordesman, Anthony & Toukan, Abdullah (2014). *The Indian Ocean Region: A Strategic Net Assessment*, Center for Strategic and International Studies (CSIS), Available at: https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/140725_Indian_Ocean_Region.pdf
13. Diehl, Lt Col Justin (2021). Indo-Pacific Deterrence and the Quad in 2030, *Journal of Indo-Pacific Affairs*, VOL. 4, NO. 2.
14. Eftekhari, Asghar (2013). Security software and Iranian-Islamic model of development, *Soft Power*, 8 (3). Available at: magiran.com/p1183426 [In Persian]
15. Emamirad, G., Barzegar, K., & Zakarian, M. (2021). Deterrence pattern networks of the Islamic Republic of Iran in West Asia: A case study of the Yemeni Ansarullah movement. *Political Science Quarterly*, 17(56), 39-1. doi:10.30495/psq.2022.1952421.2140 [In Persian]
16. Fathi, M., eivazi, M., & pirani, S. (2020). The Position of Overseas Deterrence Strategy in the Defense-Security System of the Islamic Republic of Iran in West Asia. *World Politics*, 9(2), 265-303. doi: 10.22124/wp.2020.15798.2426 [In Persian]
17. Ghasemi, Farhad & Keshavarz Shokri, Abbas (2009). An Attitude to the Regional Deterrence System in International Relations: A Case Study of Iran and the United States. *Journal of Political and International Approaches*, No. 20 [In Persian].
18. Ghasemi, Farhad (2014), Asymmetric order of complex systems and chaos and comprehensive defense strategy in deterrent system, *Foreign Relations Quarterly*, No. 6 (1). [In Persian]
19. Ghasemi, Farhad (2016). Complex and Chaotic Systems: Model of Sensitive Dependency, Deterrence and War. *World Politics*, 5(3), 96-63. [In Persian]
20. Goin, Vaimiti (2021). L'espace indopacifique, un concept géopolitique à géométrie variable face aux rivalités de puissance, *Géoconfluences*, Retrouver sur: <http://geoconfluences.ens-lyon.fr/informations-scientifiques/dossiers-thematiques/oceans-et-mondialisation/articles-scientifiques/espace-indopacifique-geopolitique> [In French]
21. Hong, Wei & Ciyuan, Li (2018). Indian Ocean Rim Association: New Developments and Cina's Engagement, *China International Studies*, Available at: <https://www.pressreader.com/cina/cina-international-studies-english/20180520/281526521728952>
22. Jie, Dalei (2020). The emerging ideological security dilemma between China and the U.S., *China Int Strategy Rev.* 2, 184–196.

23. Lake, David, Morgan, Patrick (1997). *Regional Orders: Building Security in a New World*, Penn State University Press
24. Lee, Lavina (2020). *Assessing the Quad: Prospects and Limitations of Quadrilateral Cooperation for Advancing Australia's Interests*, The Lowy Institute, Available at: <https://www.loyyinstitute.org/publications/assessing-quad-prospects-and-limitations-quadrilateral-cooperation-advancing-australia>
25. Lindsey, Ford & Goldgeier, James (2021). *Retooling America's alliances to manage the China challenge*, Brookings Institution, Available at: <https://www.brookings.edu/research/retooling-americas-alliances-to-manage-the-china-challenge>
26. Marrier D'unienville, Thomas (2019). *L'océan Indien, nouveau centre du monde ?*, Diploweb.com : la revue géopolitique, Retrouver sur: <https://www.diploweb.com/L-ocean-Indien-nouveau-centre-du-monde.html> [In French]
27. Mead, Walter Russel (2014). *The Return of Geopolitics. The Revenge of the Revisionist Powers*, *Foreign Affairs*, 93 (3).
28. Mearsheimer, John J. (2011). *Imperial by Design*, *The National Interest*, No.111, Available at: <https://www.mearsheimer.com/wp-content/uploads/2019/06/Imperial-by-Design.pdf>
29. Naji, Ahmed (2022). *Vous souvenez-vous d'Aukus ?*, le Site de L'ODJ, Trouver sur: https://www.lodj.ma/Vous-souvenez-vous-d-Aukus_a44451.htm [In French].
30. Neill, Alexander (2021). *A test for China-NATO strategic restraint in the Indo-Pacific*, Geopolitical Intelligence Services AG, Available at: <https://www.gisreportsonline.com/r/uk-china-carrier-strike/>
31. Nicolini Gabriel, João Paulo; Mandelbaum, Henoah Gabriel & Carlos Eduardo, Carvalho (2020). *The Quad*, *Carta Internacional*, DOI: 10.21530/ci.v15n2.2020.1014
32. Niquet, Valérie & Péron-Doise, Marianne (2021). *L'Asie face à l'AUKUS: interrogations et attentisme prudents*, Note de la FRS, n°42. Retrouver sur: <https://www.frstrategie.org/publications/notes/asia-face-aukus-interrogations-attentisme-prudents-2021>[In French]
33. Perelman, Rémi (2018). *Tableau militaire de la région indo-pacifique*, *Asie21*, Retrouver sur: <https://www.asie21.com/2018/03/01/tableau-militaire-de-la-region-indopacifique/> (In French)
34. Péron-Doise, Marianne (2022). *Introduction - AUKUS, un an après*, *La Revue Défense Nationale*, n° 852 Été, p. 13-16. [In French]
35. Seibt, Sébastien (2021). *Quad, Aukus : comment Washington isole la Chine dans la zone indo-pacifique*, *france24*, Retrouver sur:

<https://www.france24.com/fr/asia-pacifique/20210924-quad-aucus-comment-washington-isole-la-chine-dans-la-zone-indo-pacifique>. [In French]

36. Solomon, Jay (2013). U.S. Grapples With Rift among Mideast Allies, Wall Street Journal, accessed 1 November 2021, Available at: <http://online.wsj.com/article/SB10001424127887324482504578453123638740206.html>.
37. Stacey, Ralph (2001). Strategic Management and Organizational Dynamics: The Challenge of Complexity, London: Psychology Press.
38. Swanström, Niklas&Panda, Jagannath (2021). AUKUS: Resetting European Thinking on the Indo-Pacific?, The Institute for Security and Development Policy, Sweden: Stockholm
39. Tewes, Alex (2002). A Foundation Paper on Australia's Maritime Strategy, Information Research Service, Department of the Parliamentary Library.
40. Thomann, Pierre-Emmanuel (2021). AUKUS, un triumvirat anglo-saxon dans l'Indo-Pacifique pour conserver l'hégémonie mondiale : quelle riposte géopolitique pour la France ? Non-alignement et Pivot vers la Russie, La Site d'euro continent. Trouver sur: <https://www.eurocontinent.eu/aukus-un-triumvirat-anglo-saxon-dans-lindo-pacifique-pour-conserver-lhegemonie-mondiale-quelle-riposte-geopolitique-pour-la-france/> [In French].

پروفیسر کاہنہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
برتال جامع علوم انسانی